

## بررسی اجمالی سیره و منش اخلاقی و تربیتی امام جعفر صادق (ع)

ستاره موسوی<sup>۱</sup>: دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه اصفهان

دکتر محمد رضا نیلی: عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان

شکوفه رضازاده: دانش آموخته کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی

### چکیده

آدمی از آغاز تا پایان زندگی خویش بطور فطری به ارزش های اخلاق گرایش دارد و شخصیت وی همواره با معیار فضایل و رذایل اخلاقی محک می خورد و هر کس در این سنجش به امتیاز بالاتری دست یابد در خاطر مردمان و نزد خدای خود جایگاه رفیع و ارزشمند خواهد داشت. حضرت صادق علیه السلام مانند پدران بزرگوار خود در کلیه صفات نیکو و سجایای اخلاقی سرآمد روزگار بود. تحقیق حاضر با روش توصیفی تحلیلی به بررسی سیره و منش اخلاقی و تربیتی امام جعفر صادق (ع) پرداختند. حضرت صادق علیه السلام دارای قلبی روشن به نور الهی و در احسان و انفاق به نیازمندان مانند اجداد خود بود. دارای حکمت و علم وسیع و نفوذ کلام و قدرت بیان بود. با کمال تواضع و در عین حال با نهایت مناعت طبع کارهای خود را شخصا انجام می داد، و در برابر آفتاب سوزان حجاز بیل به دست گرفته، در مزرعه خود کشاورزی می کرد ایشان در زمانی می زیسته اند که یک نهضت عظیم فکری و علمی و فرهنگی در میان مسلمین پیداشد که نحله ها و مذهب هادراصول دین فروع دین به وجود آمد. و مسلمانان در این زمان محور فتح دروازه های علم و فرهنگ شدند. کشمکش امویها و عباسیها زمان مناسبی بود برای تعلیم و ارشاد، حل معضلات علمی در معارف و احکام و اخلاق. شهرت علمی امام در بلاد اسلامی آن چنان چشم گیر و زبانزد خاص و عام بود که از نقاط بسیار دور سرزمین اسلامی برای کسب فیض به مدینه و حوزه درس ا و می آمدند و از دریای بی کران علوم الهی ا بهره می بردند. حتی بسیاری از متفکران غیرمسلمان نیز برای مذاکره علمی با امام به خدمتش می رسیدند و حضرت به میزان سطح درک و علمشان پاسخ می گفتند.

**واژگان کلیدی:** امام جعفر صادق (ع)، زندگی، سیره تربیتی و اخلاقی.

### مقدمه

دین انسان ساز اسلام، که برنامه اش رساندن انسان هابه اوج قله، انسانیت و کمال و قرب پروردگار است. به اخلاق و تربیت اخلاقی عنایتی ویژه دارد و بخش عظیمی از قرآن کریم به آیات اخلاقی اختصاص یافته است. در قرآن کریم اگر در ابتدا آیه از احکام و قوانین الهی سخن رفته باشد در پایان آیه به برخی مسائل اخلاقی پرداخته می شود و این از جهت تأمین پشتوانه

<sup>۱</sup> - نویسنده مسئول، Email: setarehmousavi@gmail.com

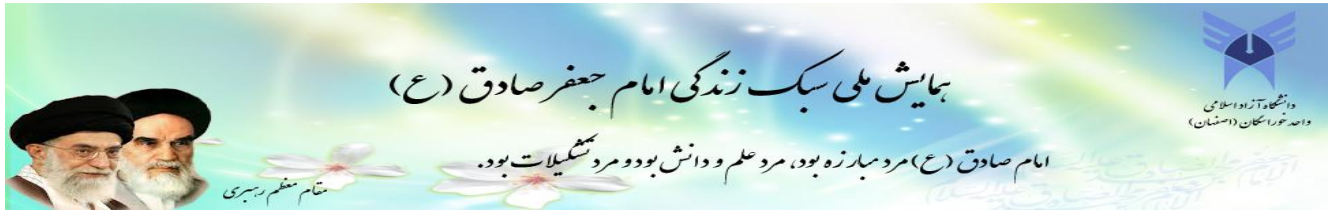
## بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

اخلاقی برای اجرای آن احکام است. زیرا اگرچه عوامل اجرائی تاحدودی می تواند برای رعایت برخی از احکام کارساز و مفید باشد لیکن اصول اخلاق عامل اساسی در ضمانت اجرائی احکام است (جواد آملی، ۱۳۷۳، ص ۲۲۲-۲۲۱). سنت و سیره پیامبر اعظم (ص) و ائمه معصومین (ع) که اسوه های حسنه و الگوهای لایتغیر در میان بشریت اند، منبع عظیمی است از رفتار و گفتار اخلاقی که در جهت نزدیک شدن به اخلاق پسندیده و دوری از ناپسندهای اخلاقی، بشارت دهنده و انذار کننده است. امام صادق می فرماید: "عمر صرف ادب و اخلاق کن" (روضه کافی، ج ۸، ص ۱۵۰) این حدیث به خوبی می رساند که اگر از عمرت تنها میزان دو روز مهلت داده شده، یک روزش را برای اخلاق اختصاص بده تا برای روز مرگ از آن کمک بگیری. از منظر آموزش و پرورش، تربیت اخلاقی یکی از کارکردهای مهم نظام آموزشی است. این امر از موضوعاتی پر چالشی است که از سوی ائمه (ع) مورد امعان نظر قرار گرفته است. از جمله انتظاراتی عمده ای که از یک نظام آموزشی وجود دارد، تربیت اخلاقی؛ انتظاری که در طول حیات انسان همواره بردوش آن احساس شده است (حقیقت و مزیدی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۶، به نقل از نیلی پور، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۱۹). امام صادق (ع) هشتمین ستاره فروزان آسمان عصمت، و ششمین اختر تابان سپهر امامت و ولایت در هفدهم ربیع الاول سال ۸۳ ه.ق در مدینه چشم به جهان گشود امام صادق (ع) هشتمین ستاره فروزان آسمان عصمت، و ششمین اختر تابان سپهر امامت و ولایت در هفدهم ربیع الاول سال ۸۳ ه.ق در مدینه چشم به جهان گشود، و در ۲۵ شوال سال ۱۴۸ در ۶۵ سالگی به دستور منصور دوانیقی (دومین طاغوت عباسی) مسموم شده و به شهادت رسید. در زندگی سراسر افتخار او، دو موضوع همچون دو جریان همیشگی با پرتلاش ترین شکل در راس موضوعات دیگر دیده می شد، که هر دو در یک صراط قرار داشته و تکمیل کننده همدیگر بودند که عبارت اند از: طاغوت زدایی و نشان دادن چهره اسلام ناب؛ اسلام محمد (ص) و علی (ع). آن حضرت در وضعیتی قرار گرفت، که اسلام چهره حقیقی خود را از دست داده بود، و از قرآن و اسلام جز نامی باقی نمانده بود، چرا که مدتی با امویان و سپس با عباسیان درگیر بود که بر کشور پهناور اسلامی حکومت می کردند، و همه چیز را با میل و هوس های نفسانی خود رتق و فتق می نمودند، و اسلام را به دنبال اهداف شوم خود می کشیدند و آن را پلی برای اجرای مقاصد طاغوتی خود قرار داده بودند. امام صادق (ع) در طول ۳۴ سال امامت خود (۱۱۴-۱۴۸ ه.ق) با پنج حکمران اموی یعنی هشام بن عبدالملک، ولید بن یزید، یزید بن ولید، ابراهیم بن ولید، مروان بن محمد، درگیر بود، پس از انقراض آنها با دو خلیفه عباسی یعنی عبدالله بن محمد، معروف به سفاح و منصور دوانیقی رو به رو گردید. آن حضرت برای نجات اسلام و مسلمین چاره ای نمی دید، جز این که مانند پدرش امام باقر (ع) دو موضوع را مساله اصلی زندگی خود قرار دهد؛ یعنی همان دو موضوعی که از کلمه طیبه «لا اله الا الله» نشات می گرفت، و تحقق عینی چنین کلمه ای که اساس اسلام محمد (ص) و علی (ع) را تشکیل می داد، نیاز به انقلاب سیاسی و نفی طاغوت ها، و انقلاب فرهنگی و آموزش برای رشد و آگاهی بخشی جامعه داشت، تا با این «نفی» و «اثبات» بتواند اسلام را از زیر حجاب های جهل و غرور خود کامگان رهایی بخشد، و چهره ناب آن را به عموم نشان دهد. روشن است که چنین کار بزرگی، بسیار دشوار و طاقت فرسا بود، در عین حال امام صادق (ع) که خود را وقف اسلام و قرآن نموده بود، با همتی بلند و اراده ای محکم، به این کار بسیار عمیق و بزرگ دست زد، و تا آخر عمر هم چنان با قاطعیت ادامه داد و سرانجام در این راه شهد شهادت نوشید.



## بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری

### اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر امام صادق علیه السلام

عصر امام صادق علیه السلام یکی از طوفانی ترین ادوار تاریخ اسلام است که از یک سو اغتشاشها و انقلابهای پیاپی گروههای مختلف، بویژه از طرف خونخواهان امام حسین علیه السلام رخ می داد، که انقلاب "ابو سلمه" در کوفه و "ابو مسلم" در خراسان و ایران از مهمترین آنها بوده است. و همین انقلاب سرانجام حکومت بنی امیه را برانداخت و مردم را از یوغ ستم و بیدادشان رها ساخت. لیکن سرانجام بنی عباس با تردستی و توطئه، بناحق از انقلاب بهره گرفته و حکومت و خلافت را تصاحب کردند دوره انتقال حکومت هزار ماهه بنی امیه به بنی عباس طوفانی ترین و پر هرج و مرج ترین دورانی بود که زندگی امام صادق علیه السلام را فرا گرفته بود. و از دیگر سو عصر آن حضرت، عصر برخورد مکتبها و ایده ثلوثیها و عصر تضاد افکار فلسفی و کلامی مختلف بود، که از برخورد ملت‌های اسلام با مردم کشورهای فتح شده و نیز روابط مراکز اسلامی با دنیای خارج، به وجود آمده و در مسلمانان نیز شور و هیجانی برای فهمیدن و پژوهش پدید آورده بود. عصری که کوچکترین کم کاری یا عدم بیداری و تحرک پاسدار راستین اسلام، یعنی امام علیه السلام، موجب نابودی دین و پوسیدگی تعلیمات حیات بخش اسلام، هم از درون و هم بیرون شد این جا بود که امام علیه السلام دشواری فراوان در پیش و مسؤولیت عظیم بر دوش داشت. پیشوای ششم در گیر و دار چنین بحرانی می-بایست از یک سو به فکر نجات افکار توده مسلمان از الحاد و بی دینی و کفر و نیز مانع انحراف اصول و معارف اسلامی از مسیر راستین باشد، و از توجیهات غلط و وارونه دستورات دین به وسیله خلفای وقت جلوگیری کند (شهرستانی، ۱۹۷۲م، ج ۱، ص ۱۴۸؛ به نقل از نیلی پور، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۶۳-۶۴). ائمه اطهار در هر زمانی مصلحت اسلام و مسلمین را در نظر می گرفتند و چون دوره ها و زمانها و مقتضیات زمان و مکان تغییر می کرد خواه و ناخواه همان طور رفتار می کردند که مصالح اسلامی اقتضا می کرد و در هر زمان جبهه ای مخصوص و شکلی نو از جهاد به وجود می آمد و آنها با بصیرت کامل آن جبهه ها را تشخیص می دادند. این تعارضها نه تنها تعارض واقعی نیست، بلکه بهترین درس آموزنده است برای کسانی که روح و عقل و فکر مستقیمی داشته باشند، جبهه شناس باشند و بتوانند مقتضیات هر عصر و زمانی را درک کنند که چگونه مصالح اسلامی اقتضا می کند که یک وقت مثل زمان سید الشهداء علیه السلام نهضت آنها شکل قیام به سیف به خود بگیرد و یک زمان مثل زمان امام صادق علیه السلام شکل تعلیم و ارشاد و توسعه تعلیمات عمومی و تقویت مغزها و فکرها پیدا کند و یک وقت شکل دیگر (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۴۸-۴۹).

### خصیه های شخصیتی امام صادق (ع)

#### -علم و دانش بی نظیر

امام صادق (ع) که به لقب عالم آل محمد نام گرفته اند، از زمان خود هم‌اوردی در علوم نداشتند چنانکه از تمامی بلاد، افرادی جهت علم آموزی به نزد ایشان می آمدند و بیش از ۴۰۰۰ نفر شاگرد تربیت نمودند. حتی بزرگان اهل سنت نیز چون مالک بن انس، شعبه بن الحجاج، سفیان الثوری، ابن الجریح، سفیان بن عیینه و... در محضر ایشان به تلمذ می پرداختند. هنگامی که وفات پدرش امام باقر (ع) نزدیک شد به او فرمود: خیر خواهی اصحابم را به تو سفارش می کنم

## بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

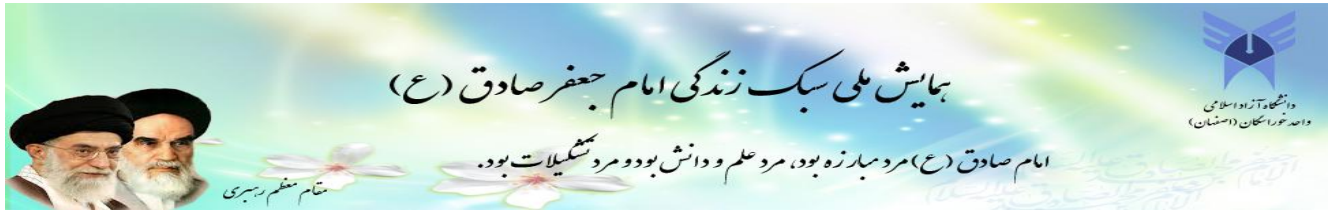
حضرت فرمود: آنان رابه مقامی از علم برسانم که هر مردی از آنان در هر شهری که باشد، محتاج به سوال از هیچ کس نباشد (قطب راوندی، ۱۴۰۹، ص ۸۹۳). مقام علمی امام و عظمت مکتب و دانشگاه آن حضرت به حدی بود که محمد بن مسلم می گویند در مسجد کوفه ۹۰۰ استاد را دیدم که همه آنها می گفتند: "حدثنی جعفر بن محمد (ع)!" (یعنی از امام صادق (ع) نقل قول می کردند. از ابو حنیفه پیشوای مذهب حنفی نقل شده است: اگر آن دوسالی که در محضر جعفر بن محمد بودم، نبود، محققا هلاک شده بودم، باید دانست تعداد روایاتی که از امام صادق (ع) نقل شده بیشتر است. تازه بسیاری از روایات آن حضرت در کوران حوادث سیاسی و اجتماعی نابود شده است و به دست ما نرسیده است. چه بسیار کتب خطی حاوی معارف شیعه که به دست منحرفان سوخته شده و از بین رفته است و چه بسیار محدثان دانشمندانی که از بیم کشتار و قتل شکنجه جرأت اظهار و نثر روایات ائمه را نداشتند. مشهور است که روش اداره مکتب و دانشگاه امام صادق (ع) مطابق با جدیدترین روشهای آموزش و پرورش در جهان فعلی بوده است (مشایخ، ۱۳۸۱، ص ۷۸۸).

صالح بن الأسود گوید شنیدم جعفر بن محمد میگفت از من پرسید قبل از اینکه مرا از دست دهید همانا بعد از من کسی اینگونه با شما سخن نمی گوید (مجلسی، ۱۳۷۶، صص ۳۴ و ۴۸). شیخ مفید راجع به علم حضرت در ارشاد می نویسد: "نَقَلَ النَّاسُ عَنهُ (مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۷۹) به اندازه ای مردم از علوم آن حضرت نقل کرده اند که سخنانش توسط مسافران در هر شهر و دیار منتشر شده و از هیچ یک از این خاندان علماء به اندازه ای که از او نقل حدیث شده از دیگری نقل نکرده اند، و هیچ یک از زاهد آثار و ناقلان اخبار بدان اندازه که از آن حضرت نقل کرده اند از دیگران ننموده اند.

**- عبادت:** مالک بن انس می گوید: "امام صادق (ع) همواره فارغ از یکی از این سه کار نبود؛ یاروزه دار بود یا به نماز ایستاده بود و یا مشغول ذکر خدا بود و آن حضرت از عباد بزرگ و زهاد بزرگوار بود آنان که از خدای عزوجل می ترسند. او سخور و خوش مجلس بود و محضری پرفیض داشت" (صدوق، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۷؛ به نقل از نوری و همکاران، ۱۳۷۰، ص ۴۶). هم چنین معاویه بن وهب حکایت می کند که: "در مدینه در محضر حضرت صادق بودم، حضرت سوار بر الاغ بود به بازار رسیدیم یا نزدیک بازار بودیم که امام (ع) از الاغ پیاده شده و سجده طولانی کرد منتظر ماندم تا سراز سجده برداشت. عرض کردم فدایت شوم چرا سجده نمودی؟ فرمود من به یاد نعمت خدا برخود افتادم. عرض کردم آقا نزدیک بازار سجده می فرمائید در حالی که مردم می آیند و می روند؟! فرمود: مرا کسی نمی بیند" (مجلسی، بی تا، ص ۲۱-۴۷).

**- بخشندگی:** در بحار الأنوار راجع به بخشندگی حضرت صادق (ع) آمده است ه: "كَانَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ يُطْعِمُ حَتَّى لَأَيَّتِي لِعِيَالِهِ شَيْءٌ" (مجلسی، بی تا، ص ۲۳). "آن حضرت صادق (ع) به مردم می داد و اطعام می کرد که برای خانواده ی خودش نمی ماند" روایاتی راجع به انفاق های پنهانی ایشان در کتب روایی به چشم می خورد. به طور مثال معلی بن خنيس می گوید:

"شبی بارانی حضرت صادق (ع) به قصد سایه بان بنی ساعده از منزل خارج شد. من هم به دنبال او رفتم دیدم چیزی در راه گم کرده می گوید بسم الله خدایا گم شده ی ما را برگردان جلو رفتم و سلام کردم حضرت فرمود معلی با دست جستجو کن هر چیز پیدا کردی به من بده. دست کشیدم نان روی زمین افتاده هر چه پیدا کردم به ایشان دادم. انبانی از نان



برداشته بود، گفتم اجازه بدهید من بردارم. فرمود من باید بردارم ولی بیا باهم برویم. معلی گفت آمدیم تا به ظله بنی ساعده رسیدیم. دیدم گروهی در خواب هستند شروع کرد تا آخرین نفر برای هر کدام یک پارونان زیر جامه اش پنهان می کرد، برگشتم. گفتم فدایت شوم اینها عارف به امام هستند. فرمود اگر امام شناس بودند هر چه داشتیم حتی نمک خود را با آنها تقسیم می کردیم" (صدوق بی تا ص ۱۴۴؛ به نقل از نوری و همکاران، ۱۳۷۰، ص ۷۲).

- **زهده:** "امام صادق (ع) همواره پیروان خود را به زهد و دوری از غفلت و سرگرمی به مظاهردنیا سفارش نموده و کلید همه خوبی ها و نیز راه چشیدن طعم ایمان را زهد بر می شمارد."

"همه ی نیکی ها در خانه ای نهاده شده که کلیدش زهد و بی رغبتی به دنیا است. سپس حضرت فرمودند: رسول خدا (ص) فرمود: کسی که حلاوت ایمان را در قلبش نمی یابد، مگر اینکه توجهی نداشته باشد که چه کسی از دنیا بهره برد، آنگاه امام صادق (ع) فرمود: درک حلاوت ایمان بر دلهاى شما حرام است، تا زمانی که به دنیا بی رغبت شود" (کلینی، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۸).

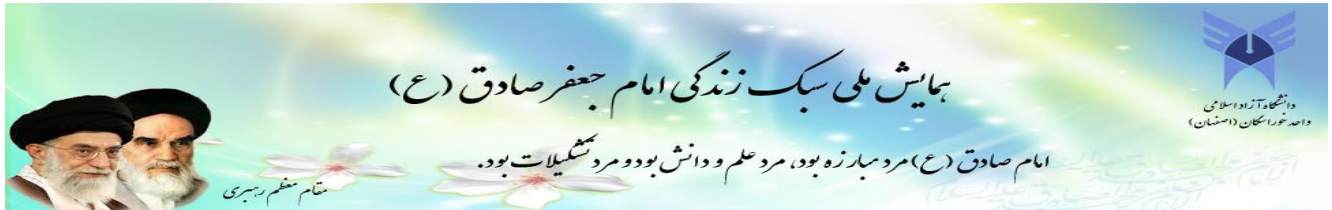
آنچه در سیره ی حضرت آمده است حاکی از آن است که مقوله ی زهد همواره در زندگی نصب العین ایشان بوده است و نقل شده که امام (ع) برای تأمین مخارج همواره در کنار کارگران خویش کار می کرد و عرق می ریخت و در برابر اعتراض کوتاه نظران که آن حضرت رابه حرص و دنیا طلبی متهم می کردند می فرمود: دوست دارم برای تأمین مخارج خود کار کنم و مانند دیگران رنج گرمای آفتاب را بچشمم واگر در این حال پروردگارم را ملاقات کنم، بسیار خوشوقت خواهم بود که برای تأمین معاش خود کار کرده ام و باری بر دوش دیگران نبوده ام، چه بدبخت کسانی که از دسترنج دیگران می خورند و بر آنها فخر می فروشند واز همه طلبکار هستند، آنان ظاهری آراسته و پرفریب دارند، اما درونشان فاسد و خراب است، آن حضرت همواره به میهمانان خود گوشت می خوراند و خود گوشتها را بادست خود پاک می کرد، اما خوراک خودش سرکه و زیتون بود و می فرمود: این خوراک پیامبران است" (مشایخ، ۱۳۸۱، ص ۷۹۲، به نقل از سادات، ۱۳۸۴، ص ۹۶).

امام صادق (ع) خطاب به سفیان می فرماید: "یا سَفِيانَ إِياكَ وَ الرَّئِساءَةَ فَمَا طَلَبَها أَحَدٌ إِلاَّ هَلَكَ" ای سفیان خود را از ریاست دور کن که کسی آن را طلب نکرده مگر اینکه هلاک شده است" (صدوق، ۱۴۰۳، ص ۱۸۰).

- **شکیبایی:** "در شکیبایی آن حضرت همین نکته کفایت می کند که آن امام هرگاه از شخصی ناسزا و دشنامی می شنید، بردبارانه سکوت کرده و به سوی جایگاه نماز خود می رفت و رکوع و سجود نیکو و بسیار انجام می داد و فراوان می گریست و از درگاه الهی برای شخص دشنام دهنده طلب آمرزش می کرد. هرگاه از یکی از زیر دستان خود نافرمانی می دید، به جای تنبیه و سرزنش، با سخنان مهرآمیز و محبت بیشتر او را شرمنده و نادم می ساخت" (مشایخ، ۱۳۸۱، ص ۷۹۲؛ به نقل از سادات، ۱۳۸۴، ص ۸۶).

کلینی در کافی در روایتی به نقل از حفص آورده است که: امام صادق (ع) یکی از غلامان خود را به دنبال کاری فرستاد. غلام دیر کرد. حضرت به دنبال او از خانه خارج شد و او را درحالی که خواب بود یافت، بالای سرش نشست و او را باد زد تا بیدار شد، همین که بیدار شد امام صادق (ع) به او فرمود. فلانی به خدا سوگند تو حق نداری هم شب بخوابی هم روز، شب مال تو و روزت مال ما" (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۸۷).





در عیون اخبار الرضا از حضرت امام موسی بن جعفر (ع) روایتی راجع به صبر و شکیبایی پدر بزرگوارشان نقل شده است. حضرت می فرمایند: هنگامی که خیر مرگ اسماعیل بن جعفر بزرگترین اولاد حضرت صادق (ع) آوردند ایشان قصد داشت غذا تناول کند و خادمشان در اطرافش جمع شده بودند و حضرت تبسم کرد و فرمان داد غذایش را حاضر کردند با ندیمان نشست و آن روز را نیکو تر از سایر روزها غذا خورد. جلوی خادمان نیز غذا می گذاشت و آن ها رابه خوردن غذا تشویق می فرمود. اهل مجلس از اینکه هیچ گونه آثاری از غم و اندوه به ایشان نمایان نبود تعجب کردند. هنگامی که از غذا خوردن دست کشیدند عرض کردند یا ابن رسول الله ما مسئله ی عجیبی را مشاهده بودیم. اکنون شما در مصیبت چنین فرزند به سر می بری و ما شما را در این حالت ملاحظه می کنیم؟ حضرت فرمود: چرا چنین نباشم که شما می بینید و حال آنکه خبر راست گو تر از راستگویان به من رسیده است؟ من و شما مرگ را می چشیم. همانا گروهی که مرگ را شناختند و آن را همواره در مقابل چشم خود قرار دادند البته باید انکار نکنند که مرگ ناگهان میرسد باید تسلیم امر خالق خود باشیم (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲).

### چند مورد از نصایح اخلاقی امام جعفر صادق (ع) به پیروان خود

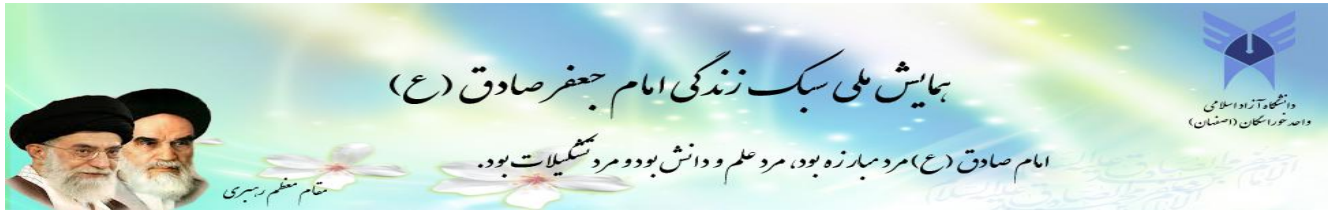
**- دعوت به پیروی از اخلاق حسنه:** نیاز به اخلاق حسنه یک نیاز بشری و انسانی است و به جامعه خاصی اختصاص ندارد. حسن خلق آن قدر عظمت و ارزش دارد که هر کس به عمق و ژرفای آن نمی رسد، چنان که امام صادق (ع) فرمود: «لایکون حسن الخلق اِلا فی کلّ ولیّ و صفیّ و لایعلم ما فی حقیقه حسن الخلق اِلا اللّهُ تعالیٰ»؛ (بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۹۳) صادق آل محمد (ص) در ادامه این موضوع به ثمرات و فواید اخلاق نیک اشاره نموده است و می فرماید: «حسن الخلق یزید فی الرّزق»؛ (شیخ صدوق، ج ۷۱، ص ۳۹۵) خوی نیک باعث افزایش روزی می شود. در روایتی دیگر شیعیان را به خوش رفتاری با خانواده سفارش نموده و آن را موجب طولانی شدن عمر می داند و می فرماید: «من حسن برّه فی اهل بینه زید فی عمره»؛ (اربلی، ج ۲، ص ۲۰۸) هر کس با خانواده خود، خوش رفتاری کند، عمرش طولانی می شود. هم چنین رعایت اصول اخلاقی و توجه به آداب انسانی و خوش برخوردی را از ویژگی های مکتب تشیع دانسته و آن را بر شیعیان راستین لازم شمرده و بر اجتناب از بد خلقی تأکید نموده است.

### - بیدارسازی وجدان ها: آموزه های الهی نشان می دهد که انسان هر چند ممکن است در ظاهر حقایق را فراموش

کند، اما از درون هرگز دچار فراموشی حقایق نمی شود و با مخاطب قرار دادن درون و فطرتش می توان او را نجات داد. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «ولئن سألتهم من خلق السموات والارض و سخر الشمس والقمر ليقولنّ اللّهُ...»؛ (بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۹۳) اگر از آن ها بپرسی که چه کسی آسمان ها و زمین را آفرید و خورشید و ماه را به تسخیر درآورد، به یقین می گویند خدا.

این روش را در سیره امام صادق (ع) هم می بینیم؛ روشی که در آن، امام از مخاطبش می خواهد که خود را در موقعیت فرض شده ببیند و بفهمد که فطرتش چه می جوید و چه می خواهد؟

مردی به خدمت آن حضرت آمد و گفت: ای فرزند رسول خدا! مرا با خدا آشنا کن. خدا چیست؟ مجادله کنندگان بر من چیره شده اند و سرگردانم نموده اند. امام فرمود: «ای بنده خدا! آیا تا به حال سوار کشتی شده ای؟ گفت: آری.



فرمود: آیا شده که کشتی بشکند و کشتی دیگری برای نجات تو نباشد و امکان نجات با شنا را هم نداشته باشی. گفت: آری. فرمود: در چنین حالتی به چیزی که بتواند از آن گرفتاری تو را نجات دهد، دلبسته بودی؟ گفت: آری. فرمود: آن چیز همان خداست که قادر بر نجات است، آن جا که فریادرسی نیست، او فریادرس است.» (شیخ صدوق، ۱۳۷۲، ص ۱۹۱).

**-تشویق به تفکر:** کاربرد روش عقلانی در نظام فکری اسلام جایگاه مهمی دارد. به کارگیری قدرت تعمق و تفکر به عنوان ابزار معرفت صحیح و هدایت گر انسان به سوی پیشرفت و تعالی است.

اساس تمام پیشرفت های مادی و معنوی بشر در طول تاریخ، اندیشه و تعمق بوده است. اگر بشر قرن بیست و یکم از نظر صنعتی و تکنولوژی به موفقیت های چشمگیری دست یافته، بر اثر اندیشه و تلاش بوده است.

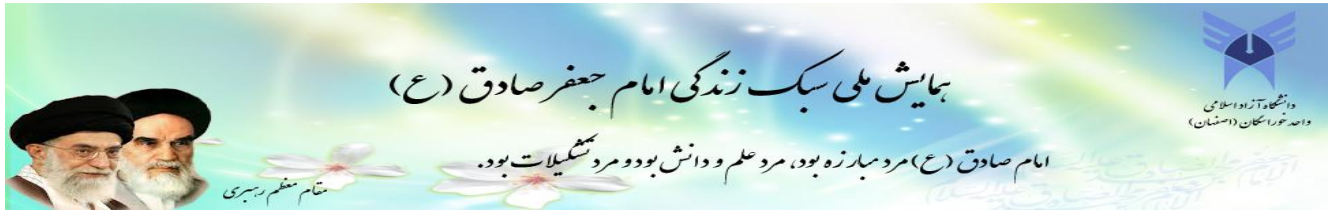
پیامبران، امامان معصوم (ع) و بندگان صالح خدا همگی اهل فکر و تعقل بوده اند. در منزلت ابوذر غفاری امام صادق (ع) فرمود: «کان اکثر عبادۀ ابي ذرّ التفكير و الاعتبار» (شیخ صدوق، ۱۳۷۲، ج ۷۱، ص ۳۹۶) بیش ترین عبادت ابوذر، اندیشه و عبرت اندوزی بود. "آن حضرت در سیره رفتاری و عملی خود برای اندیشه و تفکر ارزش والایی قایل بود و زیباترین و رساترین سخنان را درباره ارزش تعقل و تفکر در مسائل دینی بیان فرموده است.

ایشان در این زمینه می فرماید: «کسی که در دین خدا اندیشه نکند، امید خیری در او نیست. اگر یکی از دوستان ما در دین خود تفقه نکند و به مسائل و احکام آن آشنا نباشد، به دیگران (مخالفین ما) محتاج می شود و هر گاه به آن ها نیاز پیدا کرد، آنان او را در خط انحراف و گمراهی قرار می دهند در حالی که خودش نمی داند.» (اربلی، ۶۹۳، ج ۲، ص ۲۰۸؛ به نقل از سادات، ۱۳۸۴، ص ۹۶).

**-راهنمایی و تذکر:** هر دانشمندی هر چند توانمند باشد، ولی معمولاً دارای ضعف هایی است که باید آن ها را به قوت مبدل کند و اگر نقاط قوتی دارد باید بر آن ها تکیه زند تا بهتر مورد استفاده قرار گیرد. امام صادق (ع) در ضمن جلسات درسی و یا در ملاقات ها و نشست های علمی که با شاگردان خود داشت، هر گاه به نقاط ضعف یا قوت آنان برخورد می کرد، هرگز از یادآوری آن خودداری نمی کرد.

«یونس بن یعقوب» می گوید: امام پس از آن که عده ای از شاگردان خود را برای بحث و گفت و گو با یک مرد شامی فرا خواند، در پایان به نقاط مثبت و منفی که در آن ها دیده اشاره کرد. درباره «حمران بن اعین» فرمود: ای حمران! تو در بحث سخنی را دنبال می کنی و به نتیجه می رسی. به «هشام بن سالم» فرمود: می خواهی بحث را دنبال کنی و به نتیجه برسانی، اما توانایی نداری و به «قیس بن ماصر» فرمود: به هنگام گفت و گو به حق نزدیک می شوی، اما از اخبار و احادیث پیامبر (ص) بسیار فاصله می گیری و حق را به باطل می آمیزی، اما بدان که سخن حق اگرچه کم باشد تو را از باطل بسیار بی نیاز خواهد ساخت. سپس افزود تو در بحث و مناظره جنب و جوش خوبی داری و بسیار حاذق و هوشیار هستی.

یونس بن یعقوب می گوید: یک لحظه با خود گفتم که شبیه همین سخنان را آن بزرگوار به «هشام بن حکم» خواهد گفت، اما دیدم که حضرت وی را مخاطب قرار داد، فرمود: ای هشام! پیش می روی، اما همین که می خواهی به زمین



## بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری

بخوری، ناگهان پرواز می کنی و مثل تو باید با مردم سخن بگویند. از لغزش بپرهیز که امداد شفاعت پشت سر تو خواهد بود (احتجاج، ج ۲، ص ۱۲۲؛ سایت حوزه)

- **تبلیغ عملی:** مؤثرترین روش امامان در عرصه تبلیغ، «تبلیغ عملی» بود، یعنی خود، تجسم عالی ارزش های انسانی که همان ارزش های قرآنی است، بودند. قرآن کریم آنان را که از خوبی ها می گویند، اما خود به آن عمل نمی کنند، مورد نکوهش قرار می دهد: «یا ایها الذین آمنوا لم تقولون مالا تفعلون...» (سوره بقره، ۴۴) ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا چیزی را که انجام نمی دهید به مردم می گوید...»

بیش ترین سفارش امامان در عرصه تبلیغ دین دعوت به تبلیغ عملی بوده است. از نگاه آنان عالم واقعی کسی است که عملش همراه با عمل باشد. امام صادق (ع) در این زمینه می فرماید: «العالم من صدق فعله قوله و من لم یصدق فعله قوله فلیس بعالم» (اصول کافی، ج ۱، ص ۱۸) عالم کسی است که رفتار او گفتارش را تصدیق کند و هر کس که کردار او سخن وی را تصدیق نکند او بر خلاف گفته اش باشد، عالم نخواهد بود.

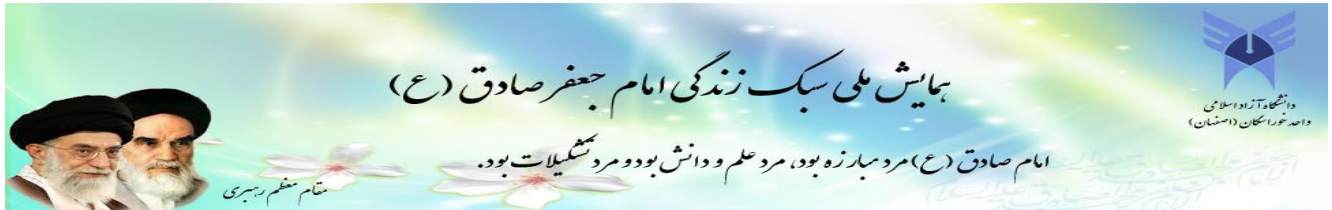
آن گوهر نبوی در روایت دیگر می فرماید: «کونوا دعاة الناس باعمالکم و لاتکونوا دعاة الناس بالستکم» (بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۹۸) مردم را با عمل خود به نیکی ها دعوت کنید نه با زبان خود. «تأثیر عمیق دعوت عملی از این جا سرچشمه می گیرد که هرگاه شنونده بداند که گوینده از صمیم جان سخن می گوید و به گفته خودش صد در صد اعتقاد و ایمان دارد، گوش جان خود را بر روی سخنان گوینده می گشاید، زیرا سخن کز دل برآید لاجرم بر دل نشیند.

- **دانش اندوزی:** یکی از روش های تربیت، تقویت «بنیه های علمی» است. ارزش علم و اهمیت آن زمانی مشخص می شود که در زندگی انسان ها راه پیدا کند و آن را جهت دهد. آیین اسلام از روزی که در صحنه تاریک گیتی درخشید، فکر و اندیشه انسان ها را با نور ایمان روشن ساخت و برای زدودن غبار جهل و نادانی از وجود انسان ها، تلاش بی وقفه ای را آغاز کرد. بزرگ رهبر جهان اسلام حضرت محمد (ص) در طول ۲۳ سال از آغاز بعثت تا روز رحلت همواره مسلمانان را به کسب دانش ترغیب و تشویق می کرد و نادانی را زمینه ساز بدبختی و هلاکت مردم به شمار می آورد.

از منظر امام صادق (ع) علم و دانش نوری است که خداوند به قلب و دل هر کس بخواهد، می تاباند، به همین جهت با عبارات حکیمانه ای شیعیان را به کسب دانش ترغیب می کرد.

آن بزرگوار در این زمینه چنان گام برداشته است که برای شیعیان واقعی در این مورد جای عذر باقی نگذاشته است، آن حضرت در معروف ترین کلام خود فرمود: «لست احب ان اری الشاب منکم الا غادیا فی حالین. اما عالماً او متعلماً فان لم یفعل فرط فان فرط ضیع فان ضیع اثم و ان اثم سکن النار» (بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۰) دوست ندارم جوانی از شما را ببینم مگر این که در یکی از این دو حالت صبح کند: یا عالم و دانشمند باشد و یا متعلم و آموزنده، پس اگر در هیچ کدام از این دو حالت نبود، کم کاری و کوتاهی کرده و در این صورت عمر خود را ضایع نموده و گناهکار است و نتیجه آن عذاب الهی خواهد بود».





## بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری

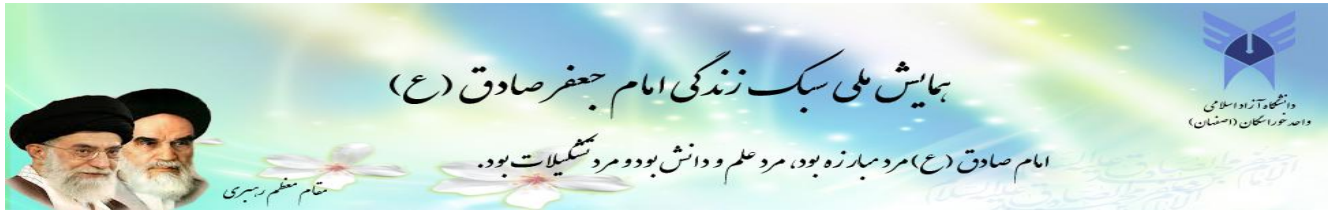
**- استفاده از فرصت ها:** در زندگی گاهی فرصت هایی به دست می آید که شخص می تواند از آن ها به بهترین وجه برای بهبودی دین و دنیای خویش بهره گیرد. آینده نگری افراد سبب می شود که این فرصت های طلایی عاملی برای ارتقاء جایگاه معنوی و اجتماعی آنان گردد. بدون شک از دست دادن چنین فرصت هایی موجب غم و اندوه و پشیمانی خواهد بود. امام صادق (ع) در این زمینه می فرماید: «هر کس فرصتی را به دست آورد و با این حال منتظر فرصت بهتری باشد، روزگار آن فرصت به دست آمده را از دستش خواهد گرفت، زیرا عادت روزگار سلب فرصت ها و رسم زمانه از بین بردن موقعیت هاست.» (تحف العقول، ص ۳۸۱؛ به نقل از مرادی، ۱۳۸۴، ص ۳۹).

**- رعایت اعتدال:** رعایت اعتدال و میانه روی در مخارج و درآمدهای زندگی موجب آسایش و رفاه خواهد بود. اسراف و تبذیر موجب اختلال در نظم زندگی می شود و چه بسا جایگاه اجتماعی فرد را متزلزل نموده و گاهی آبرو و شخصیت او را از بین می برد. معمولاً افرادی که ولخرجی می کنند، دچار تنگدستی و فقر می شوند و سپس از گردش ناملازم روزگار شکایت می کنند. امام صادق (ع) می فرماید: «انَّ السَّرْفَ يورث الفقر و انَّ القصد يورث الغنى» (شیخ صدوق، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۷۴) اسراف موجب فقر و میانه روی سبب توانایی است.

**- تدبیر در قرآن:** آخرین آموزه ای که از منظر امام جعفر صادق (ع) در این نوشتار بدان اشاره می شود، «تدبیر در آیات قرآن» است که هر فرد مسلمان بنابر ظرفیت و جودی خود می تواند از معارف، حقایق و آموزه های قرآن استفاده کند. مهم ترین نتیجه تدبیر در قرآن، ایجاد تحول اخلاقی در جامعه است، با تدبیر در قرآن، فکر و قلب انسان در افق کلام الهی سیر می کند و در تمام امور زندگی، قرآن را مستقیماً راهنمای عملی و نسخه شفابخش گرفتاری ها و بیماری های روحی و فرهنگی می بیند و ارتباط جهان هستی را با خدا و آیات الهی با تمام جان حس و درک می کند. امام معصوم (ع) با بیان های متنوع، هدایت جویان کوی سعادت را به اندیشیدن در آیات قرآن تشویق و ترغیب نموده اند و تدبیر در قرآن را از عوامل و زمینه های اصلاح اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی جوانان می شمارد. صادق آل محمد (ص) در این زمینه می فرماید: «همانا قرآن جایگاه نور هدایت و چراغ شب های تار است. پس شخص تیزبین باید در آن دقت کند و برای بهره مندی از پرتوش نظر خویش را بگشاید، زیرا که اندیشیدن مایه زندگانی و حیات قلب انسان بیناست.» (شیخ صدوق، ج ۴، ص ۴۰۰).

ششمین اختر تابناک آسمان ولایت هم چنان که مردم را به تدبیر و تعمق در آیات قرآن سفارش می کرد، خود نیز در آیات قرآن تدبیر و دقت می نمود و در این راه از خداوند منان توفیق طلب می کرد. آن حضرت وقتی قرآن را در دست می گرفت، قبل از تلاوت به خداوند عرض می کرد: «خدایا! من شهادت می دهم که این قرآن از جانب تو بر پیامبر نازل شده است و کلام توست که بر زبان پیامبر جاری شده است. خدایا نگاه کردنم را در قرآن عبادت و قرائتم را تفکر و فکر کردنم را عبرت پذیری قرار بده و نیز قرائتم را بدون تدبیر قرار مده و به من توفیق ده که در آیات قرآن و احکام آن تدبیر کنم بدرستی که تو مهربان و رحیم هستی.» (بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۰۷).

**- اصل تقوا و زهد:** تقوا یک مفهوم عام اخلاقی است و مایه نجات آدمی است و دلیل برتری انسان ها نیز همین امر است. هدف آفرینش جن و انس، عبادت خداوند است. عبادت آمیخته با تقوا و ورع مایه رستگاری انسان خواهد بود. تقوا، در زمینه اخلاقی و تربیتی نیز به معنای حفظ خود و تسلط بر خود و قرار دادن اعمال و رفتار خود در مسیر منطقی



## بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

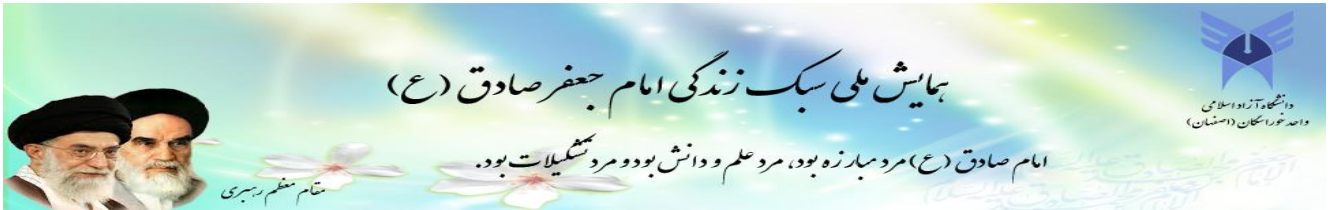
مقام معظم رهبری

می باشد. امام صادق (ع) فرموده اند: «عمل کم با تقوا بهتر از عمل بسیار بی تقوا است» (اصول کافی، ج ۲، ص ۷۶). زهد نیز به معنای دل نیستن به دنیا و رها شدن از اسارت است زهد ترک دنیای مذموم و دل کندن از آن است. انسان جز با زهد یعنی پشت کردن به تعلقات پست و ترک دل بستگی های نفسانی پیش نمی رود و به کمال حقیقی نمی رسد.

امام صادق (ع) درباره زهد می فرماید: «جعل الخیر کله فی بیت و جعل مفتاحه الزهد فی الدنیا همه خیر در خانه ای نهاده شده و کلیدش را زهد و بی رغبتی به دنیا قرار داده اند» (اصول کافی، ج ۳، ص ۱۹۴). زهد بنا بر فرمایشات امام صادق (ع) باعث آرامش و آسودگی است. امام در جای دیگر می فرماید: امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: زهد و بی میلی نسبت به دنیا به از بین بردن مال و حرام نمودن حلال نیست. بلکه زهد نسبت به دنیا آن است که به آنچه در دست توست، بیشتر از آنکه نزد خداوند عزوجل است اعتماد نداشته باشی (اصول کافی ج ۵/ص ۷۰ حدیث ۲). چنانچه کسی زهد و پارسایی را چون دستاویزی جهت تظاهر به دیگران بکار بندد مایه هلاکت خویش را فراهم آورده و مایه گمراهی نیز گشته اند. تقوا زاییده عبادت و پرستش است، بر این اساس، قرآن موقع دعوت به تقوا از واژه «رب» «یا ایها الناس اتقوا ربکم» (نساء/۱) استفاده می کند تا رابطه خدا با انسان را در قالب رابطه ربوبیت تعریف کند و رشد جسمی، عقلی، روحی و عملی و پرورش شخصیت او تحقق پذیرد (فضل الله، ۲۰۰۹، ص ۲۱؛ به نقل از نیلی پور، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۱۲). در هر دو امر مراقبت و محاسبه، انسان باید «تقوا» را رعایت کند؛ چنانکه در سوره مبارکه «حشر» آمده است: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد و اتقوا» (سوره حشر/۱۸).

**مراقبه و محاسبه نفس:** انسانها در هر درجه ای از رشد اخلاقی که باشند، باز در معرض غلبه هوای نفس و خروج از حوزه اخلاق حسنه بوده و چنانچه دائماً مراقب اعمال و رفتار خود نباشد، به تدریج فضیلت های اخلاقی آنها تضعیف و رذیلت های اخلاقی مجال رشد می یابند. از این رو، یکی از روش های مهم تربیت اخلاقی، محاسبه مداوم از خود با اتکا به روش حسابرسی فردی است. محاسبه به معنای حساب رسی دو طرفه و متقابل است که یک طرف آن فرد و طرف مقابلش نفس است. در این باره پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: مراقب خویش باش و قبل از مرگ به حساب خود برس که این کار، حساب تو را فردای قیامت آسان تر می کند. (بخاری، ۸۴/۷۴ باب ما أوصی به رسول الله (ص). علاوه بر این، اقتضای عقل، حسابگری است و حسابگری ملازم با دین مداری و ایمان محوری است چنان که در روایت آمده است کسی که حساب نفس خویش نباشد مؤمن نیست «لا یكون العبد مؤمناً حتی یحاسب نفسه اشد من محاسبه الشریک شریکه و السید عبده» (بخاری، ۷۲/۶۷، باب ۴۵ مراتب النفس و عدم الاعتماد). امام صادق (ع) می فرمایند: «ای پسر جنذب، برهر مسلمانی که ما را می شناسد، لازم است که در هر روز و شب، اعمالش را بر خود عرضه بدارد و از نفس خود حساب بکشد؛ اگر کاری خوبی در آنها یافت، بر آن بیفزاید و اگر کار زشتی یافت، طلب بخشایش نماید تا قیامت دچار رسوایی نگردد» (باقری، ۱۳۸۴، ص ۶۹).

**مجاهده و تحمیل بر نفس:** چنانکه که گفته شد، انسان همواره در معرض خطر هواهای نفسانی است. زیرا نفس به دنبال دنیا طلبی و رفاه و راحتی خویش است، پس اگر انسان آن را رها کند، به تدریج عقل را مقهور خویش ساخته



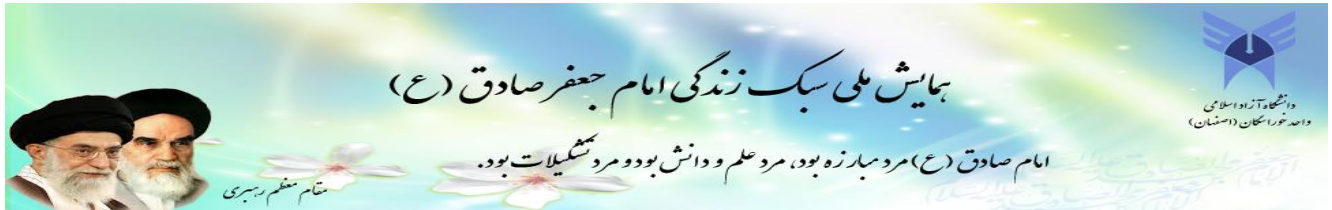
## بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

و آدمی را به نابودی می کشاند. بنابراین لازم است انسان علیرغم کراهت نفس، اموری را به خود تحمیل و بدین طریق نفس سرکش را رام نماید (دهشیری، ۱۳۷۰، ص ۱۶۲). شیوه دیگری که در سیره تربیتی ائمه معصومین به ویژه امام صادق (ع) در مبارزه با نفس و خودسازی به آن تأکید شده است، مجاهده و تحمیل بر نفس است. این امر یعنی وادار کردن خود به انجام رفتارهای پسندیده، که مخالف میل ها و گرایش های نفسانی است. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: بانفس خود مانند دشمن مجاهده کن (باقری، ۱۳۸۴، ص ۷۹). البته شایان ذکر است که سختی مجاهده با نفس چندان طولانی نیست چون در آموزه های اسلامی، هر سختی به دنبال خود آسانی خواهد داشت: ای رسول گرامی آیا ما تو را شرح صدر عطا نکردیم، و بار سنگین گناه را از تو دور نداشتیم، در صورتیکه آن بار سنگین ممکن بود پشت ترا گران دارد ... پس با هر سختی البته آسانی است (شرح ۱/۴-۱). اما برای مجاهده و تحمیل نفس باید حداقل سه مرحله راپشت سر گذاشت: ۱- از بین بردن زنگارها، رسوبات شرک، ریا و نفاق از اندیشه خویش (تخلیه). ۲- جلا دادن وزینت دادن نفس بوسیله اعمال عبادی (تجلیه). ۳- روان ساختن جویبار هدایت به قلب و اندیشه و جذب فضیلت های و آراسته شدن به اخلاق الله (تخلیه) (فایضی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۸).

- **پرهیز از معاصی:** گناه روح طاعت و بندگی را از انسان سلب می کند. از آنجا که در تعالیم اسلامی، معنویت و اخلاق لازم و ملزوم یکدیگرند، گناه به تدریج اخلاق حسنه را نیز در شخص گناهکار تقلیل می دهد. مرحوم محمد باقر مجلسی می فرماید: همانطور که کثرت نفوذ کار در بدن موجب هلاکت جسمی می شود، زیادی گناهان نیز موجب هلاکت جهات معنوی و روحانی می شود (خزائلی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۲). در این راستا امام صادق (ع) هر نوع لغزش از جمله لغزش از مسیر اخلاق را از پیامدهای منفی گناه می دانند: «هیچ رگی نمی زند و هیچ سنگی به پای کسی آسیب نمی رساند و هیچ پاییی نمی لغزد و هیچ چوبی به دستی خراش نمی اندازد، مگر به علت گناه» (کافی، ج ۲، ص ۲۶۹). ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هر گاه مرد مرتکب گناهی شود در قلب او نقطه سیاهی ظاهر می شود پس اگر توبه نمود آن سیاهی محو می شود ولی اگر بر گناهِش افزود بر آن سیاهی نیز افزوده می شود تا جایی که سیاهی بر قلبش چیره می گردد پس بعد از آن هرگز به رستگاری نمی رسد. ۲. به همین دلیل، امام صادق (ع) پرهیز از معصیت را به مثابه روشی کارآمد مطرح می سازد: «نفس خود را از آنچه برایش مضر است باز دار قبل از آنکه بمیری و در آزادی جانت کوشش کن. همانطور که در طلب روزیت کوشش می کنی. زیرا که جانت در گرو اعمال تو است و جز با کوشش تو آزاد نخواهد شد» (شیخ حر عاملی، ۱۳۹۱ ه ق، ج ۴، ص ۴۰).

- **امر به معروف و نهی از منکر:** از جمله روش های رایج اسلام برای تشویق و ترغیب افراد به انجام امور اخلاقی، روش امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف که عبارت از طلب و درخواست انجام امور خیر و نیک است، بیش از موعظه و نصیحت و حتی وصیت در اسلام مورد تأکید قرار گرفته و جزء واجبات است. نهی از منکر به عنوان یک روش تربیتی برای جلوگیری فرد از سقوط و افتادن در مهالک است.. امام صادق (ع) در این زمینه می فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر دو مخلوق از آفریده های خدایند. هر کس آنها را یاری کند، خداوند او را عزیز گرداند و هر که آنها را



## بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری

خوار کند، خداوند او را خوار سازد» (کافی، ج ۵، ص ۵۹). از امام صادق علیه السلام سوال شد آیا امر به معروف و نهی از منکر بر همه واجب است؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: این کار بر شخصی واجب است که مورد احترام و اطاعت دیگران باشد و نسبت به تشخیص معروف از منکر عالم باشد، نه بر ضعیفی که خود در انتخاب راه متحیرند (بحار الانوار ج ۹۷ ص ۹۳) با این اوصاف می توان نتیجه گرفت که مریانی که از حیث نظری و عملی شایستگی های لازم را دارا هستند باید از این روش در تربیت اخلاقی بهره گیرند. اما در آموزه های اسلامی برای عملی شدن این روش، چند مرحله به مرییان اخلاق توصیه شده است:

۱. برخورد نیکو و پسندیده داشتن چون امر به معروف از طریق برخورد نیکو توفیق بیشتری می یابد.
۲. برخورد از سر مهربانی و دلسوزی: کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند، باید مهربان و دلسوز باشد و از موضع رحمت و با قول گین به رسالت خود عمل کند.
۳. روش دعوت عملی: امر و نهی از راه عمل یکی از مراتب امر به معروف و نهی از منکر می باشد، بدیهی است کسی که دیگران را امر به معروف می کند ولی خود خلاف آن عمل می نماید و کسی که در مقام نهی از منکر قرار می گیرد ولی خود از انجام منکرات ابایی ندارد، قطعاً اثر سوء رفتارش ماندگارتر است.

- **یادآوری نعمت ها:** یکی از روشهایی که انسان را به افعال اخلاقی خداپسندانه سوق می دهد، معرفت حقیقی نسبت به الطاف الهی است. انسان باید درباره ی نعمت هایی که خداوند به او ارزانی داشته تفکر کند و آنها را در نظر آورد. در این شیوه، کوشش بر آن است که آدمی با خود " روبه رو شود"، به خود "بنگرد"، داغ نیازهایی را که بر خود داشته است، "بیند" و حلاوت نعمت هایی را که به او ارزانی شده است، "بیابد" و به شکر "بازآید" (خمینی، ۱۳۶۸، ص ۱۰). انسان اصولاً بیشتر به یاد آنهایی است که به آنها محبت می ورزد و دوستشان دارد. بنابراین برای ایجاد محبت خدا را در دل متری، بهترین طریق یادآوری نعمتهای الهی توسط مربی است. در حدیث قدسی است که به حضرت موسی (ع) خطاب شد: ای موسی! کاری کن مردم مرا دوست داشته باشند عرض کرد: چه کار کنم؟ خداوند فرمود: نعمت ها را برایشان ذکر کن» (اسکندری، ۱۳۸۰، ص ۹۱۹). امام صادق (ع) می فرماید: کسی که خداوند نعمتی به او داد او با قلب خود، آن نعمت را درک کرد، شکر آن نعمت را به جا آورده است (کافی، ج ۳ ص ۱۵۲). انسان باید درباره نعمت هایی که خداوند به او عطا کرده است بیندیشد. بنابراین، اگر انسان به نعمت هایی که خداوند به او و موجودات دیگر عطا فرموده است، توجه لازم و عمیق داشته باشد، آگاهی و بصیرت می یابد و به توانایی های خود در کسب معرفت اخلاقی و فضایل و رفع رذایل پی می برد.

- **عبرت آموزی:** از جمله روش های تربیتی قرآن کریم و پیشوایان معصوم روش عبرت است که با نظر به دگرگونی های زندگی، حوادث و تحولات تاریخی، احوال امت ها، حیات و مرگ تمدن ها، عظمت و انحطاط دولت ها، سرنوشت و فرجام قدرتمندان و بیدادگران و همانند این ها شکل می گیرد. عبرت به حالتی گفته می شود که انسان به واسطه آن از شناخت و مشاهده امری به چیزی دیگری که مشهود نیست منتقل می شود (راغب اصفهانی، ص ۳۲۰). در عرصه اخلاق و



## بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری

تربیت به کار بردن کلمه "عبرت" اختصاص به پند گرفتن از سرنوشت گذشتگان و پند های مربوط به دنیا و آخرت است. قرآن، ما را به سیر و سفر در آثار گذشتگان و تجربه آموزی از پیشینیان دعوت می کند: «ایا در زمین سیر نکرده اید تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنها بودند، چگونه بوده است؟ آنها از ایشان نیرومندتر بودند و آثاری [پایدارتر] در روی زمین باقی گذاشتند. خدا آنان را به کیفر گناهانشان گرفتار کرد و در برابر خدا حمایتگری نداشتند» (مومن/۲۱). امام صادق (ع) در این زمینه می فرماید: «به آنچه از دنیا گذشته عبرت گیرید. آیا دنیا برای کسی بقا و دوام داشته یا کسی از بلندقدر و فرومایه و توانگر و تهیدست و دوست و دشمن باقی می ماند. همچنین آنچه از دنیا نیامده با آنچه گذشته از آب به آب شبیه تر است». نقش تربیتی عبرت این است که انسان را اهل عبور از غفلت به بصیرت کند و او را از خانه غرور بیرون آورد و به خانه شعور برساند. مادام که انسان در خانه غرور خویش گرفتار است، از آن چه برسر دیگران رفته است، درس نمی آموزد و خطاهای گذشتگان را تکرار می کند و به همان راهی می رود که آنان رفتند. پس باید به انسان عبور کردن را آموخت تا بتواند عبرت بگیرد؛ و این عبرت او را رشد دهد و به سلامت از دار دنیا به خانه آخرت برساند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳، ص ۲۸۵).

**مبنای کرامت:** کرامت به معنای بزرگواری و نزاهت از پستی و فرومایگی و برخورداری از اعتلای روحی است؛ و خدای تبارک و تعالی انسان را مفتخر به آفرینشی کریم کرده است تا در زمینه کرامت نفس به کمالات الهی دست یابد.

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء/۷۰) و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم. انسان دارای کرامتی ذاتی است و این برترین سرمایه وجودی را می تواند شکوفا کند یا از دست بدهد. انسان روحاً و فطرتاً به سمت کرامت گرایش دارد و از دنائت بیزار است و کمال آدمی در این است که کرامتش رشد یابد و از امور پست دوری گردد. خدای متعال کریم است و به آدمی گوهر کرامت بخشیده است و او را بر اساس کرامت تربیت می کند. رسالت همه پیامبران این بوده که نفوس آدمیان را به کرامت برسانند. بنابراین محور تربیت پیامبر بر کرامت انسان ها و دعوت به کرامت های اخلاقی قرار داشت. بر شمایاد به {کسب} کرامت های اخلاقی که همانا خدای عزوجل مرا بدان ها برانگیخته است (بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰).. کمال آدمی در گرو رشد کرامت وی است و انسان در زمینه کرامت به فضایل دیگر دست می یابد. هر که کرامت نفس داشته باشد دنیا و تمایلات نفسانی نزد او خوار و حقیر است. از این روست امامان (ع) بر آن تأکید ها کرده اند.

امام صادق (ع) می فرماید: «کرامت را در فرمانبرداری خدا و خواری در نافرمانی است. هر که کرامت نفس داشته باشد، تمایلات نفسانی و شهوات نزد او خوار و حقیر گردد» (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۳). و در جای دیگر می فرماید: «هر که نزد برادر مسلمانش رود و او را گرامی دارد همانا خدای عزوجل را گرامی داشته است» (اصول کافی، ج ۳، ص ۲۹۴).

امام صادق در این زمینه می فرماید: «از اشخاص تندخو مباش که مردم از نزدیک شدن به تو کراهت نمایند، وسست هم مباش که هر که تو را ببیند، تحقیر کند» (مطهری، ۱۳۶۳، ص ۱۴۷).

روشها و اصول تربیت کرامت انسان از دیدگاه امام جعفر صادق (ع)





## بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام منظم رهبری

برای حفظ کرامت و عزت آدمی مطابق با فرمایشات امام صادق (ع) باید از روش‌هایی همچون تکریم شخصیت، عیب‌پوشی، پرهیز از لذت و خواری‌شماری دیگران استفاده کرد.

**- اصل عزت:** اصل عزت از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصول تربیتی است، زیرا اساس تربیت بر عزت است و اگر فرد با عزت رشد یابد و تربیت شود، به حالتی دست می‌یابد که پیوسته و در هر اوضاع و احوالی راست و استوار است. با نظر به کرامت به منزله ویژگی عمومی انسانها، خداوند برای انسان در اساس بودنش، بهره‌وری‌هایی رافراهم آورده که مایه امتیاز او از غیر انسان است و به سبب آن، وی را بزرگوار و مکرم داشته است. اصل عزت ناظر به این ویژگی است و مقصود از این اصل آن است که باید انسان مکرم را عزیز داشت و مایه‌های عزت نفس او را فراهم آورد (باقری، ۱۳۸۴، ص ۱۳۲).

تربیتی که بنیادش بر ایجاد عزت در آدمیان باشد، تربیتی است که در تحکیم و تثبیت شخصیت انسانی آنان و حفظ ایشان در برابر وسوسه‌ها و معاصی موفق خواهد بود. هیچ چیز مانند فقدان عزت، آدمی را مستعد تباهی نمی‌سازد، زیرا عزت است که انسان را محکم و استوار و شکست‌ناپذیر می‌سازد و چون ذلت بر وجود آدمی حاکم شود، او را آماده پذیرش هر خواری و پستی می‌گرداند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۲). ریشه همه تباهگری‌ها در ذلت نفس است؛ و از این رو بهترین راه اصلاح فرد و جامعه عزت بخشی و عزت آفرینی است. اگر انسان به عزت الهی عزیز شود؛ از همه ناراستی‌ها وارسته می‌گردد و نفوذناپذیر در برابر باطل و گناه، و محکم و استوار در حق می‌شود.

چنان که در حدیث امام صادق (ع) آمده است: در حدیثی از امام صادق (ع) چنین آمده است:

"إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَوْضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَ لَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا، أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: "وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ" فَالْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيزًا وَ لَا يَكُونُ ذَلِيلًا. {ثُمَّ قَالَ} إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ إِنَّ الْجَبَلَ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ وَالْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ بِشَيْءٍ؛" (اکافی، ج ۵، ص ۶۳) خداوند اختیار همه کارها را به مؤمن داده اما این اختیار را به او نداده است که ذلیل باشد. مگر نشنیده‌ای که خدای تعالی می‌فرماید: «عزت از آن خدا و رسولش و مؤمنین است»؟ پس، مؤمن عزیز است و ذلیل نیست. [در ادامه] فرمودند: مؤمن از کوه محکم تر است، زیرا از کوه با ضربات تیشه کم می‌شود اما با هیچ وسیله‌ای از دین مؤمن نمی‌توان کاست. مؤمن به عزت الهی عزیز است و حق ندارد که عزت خود را زیر پا بگذارد یا زمینه‌ای فراهم آورد که در برابر غیر خدا ذلیل شود.

**- روش تکریم شخصیت:** احترام‌جویی یکی از نیازهای طبیعی انسان بوده و حفظ احترام افراد، پشتوانه سلامت روان و از مهم‌ترین عوامل رشد شخصیت افراد جامعه است. از این رو، یکی از روش‌های صحیح و کارآمد در تربیت انسان، «تکریم شخصیت» است. پیامبر (ص) که الگوی تمام عیار جامعه مسلمین است، تکریم و احترام را نسبت به تمامی افراد اعم از مسلمان و غیرمسلمان اعمال می‌نمود. رسول اکرم (ص) می‌فرمود: هیچیک از مسلمین را تحقیر نکنید و کوچک‌شمارید زیرا مسلمانی که در نظر شما کوچک است نزد خداوند بزرگ است (به نقل از فاضلی، ۱۳۷۷، ص ۷۲). تکریم شخصیت یکی از روش‌های تربیتی است که مورد عنایت ویژه امام صادق (ع) جهت تربیت شاگردان مکتب خود بوده است. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «از ما نیست کسی که بزرگسال ما را احترام نکند و به خردسال ما ترحم ننماید» (بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۳۷). اما احترام و تکریم شخصیت آدمی چه پیامدهایی در تربیت اخلاقی افراد دارد؟ در پاسخ می‌توان

## بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

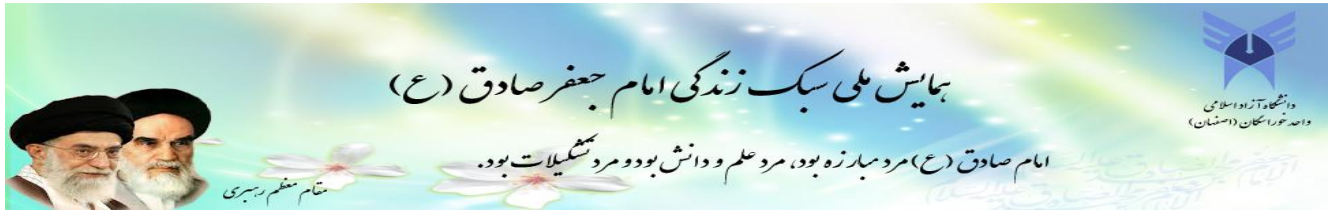
امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

گفت انسان نیازمند این است که دیگران برایش قدر و منزلتی قایل باشند و خودش را با قدر و قیمت ببیند و در برخورد با قدردانی دیگران، این احساس را به دست آورد که دارای ارزشی است که وی را در فراز و نشیب زندگی یاری کند. اگر انسان در درون احساس شخصیت و عزت نماید، به فعل غیر اخلاقی روی نمی آورد و می تواند هنگامی که طوفان شهوات و تمایلات نفسانی، دریای وجودش را متلاطم می کند، خود را سالم نگه دارد. اینجاست که مربی آگاه، ضمن آنکه خود احترام تک تک شاگردان را مراعات می کند، تلاش می کند تا نوعی ارتباط مبتنی بر احترام را در بین شاگردان رواج دهد. این عمل مربی، در دراز مدت، نظام ارتباط مبتنی بر احترام متقابل را در جامعه نهادینه خواهد کرد.

**روش عیب پوشی:** عیب پوشی از بزرگترین شاخصه‌های خیرخواهی است. در فضیلت و شرافت پرده پوشی همین بس است که یکی از اوصاف خدای سبحان «ستار العیوب» است. ستر به معنای پوشاندن چیزی است و در اصطلاح، عیب پوشی، پرده بر بدیهای مردم افکندن است (نراقی، ۱۳۸۶، ص ۴۲۹). در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، اولین اقدام در برخورد با رفتارهای ناشایست اخلاقی، به ویژه اگر این رفتار برای نخستین بار از فرد سر زده باشد، چشم پوشی و نادیده گرفتن آن است (داودی، حسینی زاده، ۱۳۸۹، ص ۲۶۹). رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: هر که بر عیب مسلمانی پرده پوشد خداوند در دنیا و آخرت عیب او را بپوشاند» (نراقی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۹). و نیز فرمود: هیچ بنده ای عیب بنده دیگر را نپوشاند مگر اینکه خدا در قیامت عیب او را بپوشاند» (نراقی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۹) امام علی (ع) می فرمایند: ای بنده خدا! در گفتن عیب کسی شتاب مکن. شاید خدایش بخشیده باشد و بر گناهان کوچک خود ایمن مباش؛ شاید برای آنها کیفر داده شوی! پس هر کدام از شما که به عیب کسی آگاه است به خاطر آنچه که از عیب خود می داند باید از عیب جویی دیگران خود داری کند (سیدرضی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۹، به نقل از سادات، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳) امام صادق (ع) در این زمینه می فرمایند- هر که کار زشتی را فاش کند چون کسی است که آنرا انجام داده (اصول کافی، جلد ۵). پس یکی از روشهای مهم تربیت اخلاقی از منظر امام صادق (ع)، عیب پوشی است چرا که «ستار العیوب» قبیح ما را از غیر پوشانیده و کسی را به او مطلع نکرده، پس ما نیز به حکم «متخلّق به اخلاق الهی شدن»، نباید حتی المقدور عیب افراد را فاش کنیم (مصباح الشریعه، ۱۳۷۷، ص ۷۰).

**مبنای ضعف:** ضعف در مقابل قوت و به معنی ناتوانی است. قرآن، ضعف را در چند مورد به کار برده است ضعف بدن، ضعف عقل، ضعف نفس. مقصود ما از ضعف بیشتر ضعف نفس است. رفتارهایی ضعف نفس را تشدید می کنند مانند کج خلقی، ترس، بدبینی، ابراز خشم هستند (باقری، ۱۳۸۶، ص ۲۲۰). در نظر گرفتن واقع بینانه ضعف های بشری، ما را در شکل دادن به شیوه ها صحیح زندگی و تعامل اجتماعی به صورت عام و شیوه های تربیت اخلاقی، به صورت خاص، یاری می رساند. زیرا مکتبی در تربیت موفق است که با آدمی به صورت واقع بینانه برخورد کند و ضعف ها و امکانات او را با هم در بگیرد (حسینی زاده، ۱۳۶۸، ص ۷).

لذا در تربیت اخلاقی با توجه به این ویژگی مطابق با فرمایشات امام صادق (ع) باید با سعه صدر یا دیگران برخورد کرد و با مسامحت اشتباهات اخلاقی را گوشزد کرد. در این راستا، مرحله صبر، نمودن تکالیف، انعطاف پذیری و... از روش های قابل اجرا در این زمینه می تواند باشد.



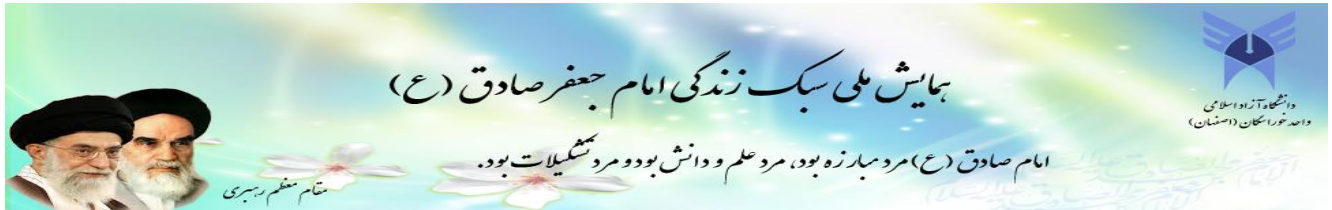
**اصل سعه صدر:** «سعه» در لغت به معنای وسعت، گشادگی و طاقت و قدرت است و «صدر» به معنای سینه. مقصود ما بیشتر در درک مصائب، تحمل سختی‌ها و مشکلات است. «شرح صدر» موهبتی است که هنگام بعثت پیامبران از جانب خداوند به آنان عطا شد. از دیدگاه قرآن «سعه صدر» مایه هدایت است و خداوند هر کس را بخواهد، هدایت کند و سینه‌اش را برای پذیرش حق گشاده می‌سازد (سوره انعام/ ۱۲۵). بردباری و شکیبایی در برابر مصائب و مشکلات و سختی‌ها از دیگر نشانه‌های شرح صدر است و نمونه بارز آن پیامبر بود که در مقابل همه سختی‌ها و آزارهای دشمنانش، بیشترین صبر و شکیبایی را از خود نشان می‌داد، چنانکه امام صادق (ع) می‌فرماید: «بعثت للحلم مرکزاً و للحلم معدناً و للصبر مسکناً» برانگیخته شده‌ام که مرکز بردباری و معدن دانش و مسکن شکیبایی باشم. زیرا هر انسانی که سینه‌اش مالا مال از نور علم و حکمت و دانش باشد، کانون بردباری و شکیبایی است (مصباح الشریعه، ۱۴۰۰ ه. ق، ص ۱۵۵).

لذا در این مورد امام صادق (ع) می‌فرمایند: «مومن بعد از انجام واجبات پیش خدای عزوجل عملی محبوب‌تر از این نیاورد که مردم را از لحاظ خلقش در وسعت گذارد» (یعنی تنگ خلق باشد) (اسدی شیخ احمدی لو، ۱۳۸۶، ص ۳۷).

**- انعطاف پذیری:** منظور از انعطاف‌پذیری مدارا، شفقت همراه با گذشت و عفو نسبت به مردم است. از برجسته‌ترین صفات عالی‌ه‌ی انسانی گذشت و چشم‌پوشی از خطای دیگران است که مایه‌ی تعالی روح بشر می‌گردد. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «سه چیز از صفات خوب دنیا و آخرتند: گذشتن از کسی که به تو ستم کرده و پیوستن به آنکه از تو بریده و خویشتنداری زمانی که با تو نادانی کنند» (اسدی شیخ احمدی لو، ۱۳۸۶، ص ۷۵). با توجه به روایات دینی این گونه استنباط می‌شود که انعطاف‌پذیری از منظر اسلام استقامت نرم توصیف شده است. منظور از این کلمه در واقع این است که نه آن قدر نرم و سست باشیم که با هر بادی بلرزیم و از پای در بیاییم و نه آنچنان سفت و محکم که بشکنیم. از این رو اسلام مومنان را در مواجهه با مشکلات و موانع به استقامت نرم توصیه می‌کند (سایت حوزه).

**- صبر:** منظور از صبرائبات و اطمینان نفس است در مصائب و مضطرب نگشتن آن در برابر مقاومت کردن با حوادث و شداید به نحوی که خاطر او پریشان نگردد. کلید موفقیت در کارها صبر است، انسان صبور همواره در حال تفکر است و هرگز عجولانه و شتابزده دست به کاری نمی‌زند که در نهایت موجب پشیمانی‌اش شود، و در برابر مشکلات و مسایل بهترین راه حل می‌یابد (امینی، ۱۳۸۴، ص ۵۱).

خداوند سبحان فرمود: «بشارت ده صبرکنندگان را که چون مصیبتی به ایشان رسید گویند: ما از خدائیم و بازگشت ما بسوی اوست، ایشان اند که صلوات پروردگار بر ایشان و رحمت او برایشان است» (بقره/آیه ۱۵۴-۱۵۶) امام صادق (ع) می‌فرمایند: «اگر مومن عظمت پاداش صبر را بداند، آرزو می‌کند که با قیچی‌ها قطعه‌قطعه گردد». جابر می‌گوید: «به امام صادق (ع) گفتم: صبر نیکو چیست؟ فرمود: آن صبری است که در آن گله نمودن از مردم وجود ندارد». و در جای دیگر می‌فرمایند: **الصبر رأسُ الايمان** (اصول کافی، کلینی، ج ۳، ص ۱۴۰)؛ صبر سر ایمان است. اگر ایمان را به انسان تشبیه کنیم، صبر به منزله سر آن است و اخلاق و صفات حمیده دیگر به منزله اعضاء و جوارح دیگر است و این تشبیه از لحاظ فضیلت صفت صبر به دیگر صفات پسندیده می‌باشد به طوری که امام صادق (ع) در این حدیث صبر را به مهم‌ترین قسمت بدن سر تشبیه کرده است. زمانی که بزرگترین فرزند حضرت امام صادق (ع) (یعنی اسماعیل) می‌خواست

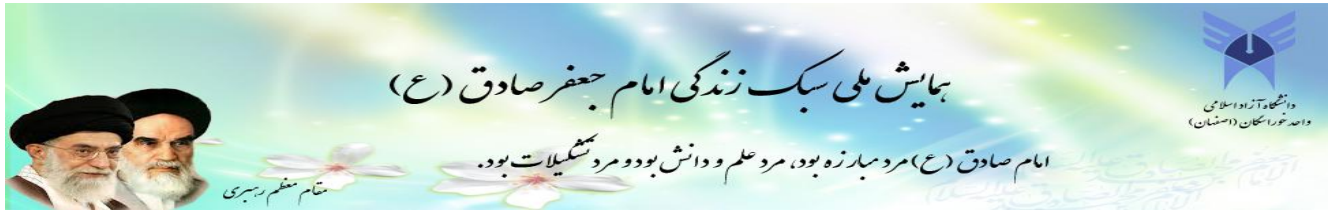


از دنیا برود، امام صادق (ع) جزع و فزع زیادی می کردند که مبادا فرزندشان از دنیا برود، ولی بعد از اینکه اسماعیل فوت کرد، امام صادق چشمان او را بست و در حالی از منزل خارج شد و به امر و نهی مردم پرداخت که قبای تازه پوشیده بود و گویی هم او نبود که جزع و فزع و بیتابی می کرد.

**اصل مسامحت:** بازگشت این اصل به ویژگی عمومی ضعف در انسانها است. مسامحت به معنای آسانی و نرمی کردن است و آسان گرفتن بر یکدیگر است. انسانها به دلیل ضعف نفس در قبال به دوش گرفتن تکالیف فرو می شکنند و این خصیصه مانع از آن است که آدمیان در برابر تکالیف دشوار تاب آورند از این رو اصل مسامحت چون قاعده عامی است که در جریان ارتباط تربیتی باید آن را مراعات نمود. خداوند در مقام ربوبیت، اساس تکالیف را بر سهولت و قابلیت نهاده است و می فرماید: «...یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر...» (سوره بقره، آیه ۱۸۵) خداوند حکم را برای شما آسان خواسته و تکلیف را مشکل نگرفته است. البته باید به این نکته توجه شود که مسامحت هرگز به معنای نادیده انگاری و چشم پوشی مطلق از خطای متربی نیست.

**روش مرحله نمودن تکالیف:** خداوند در مقام تربیت، انجام پاره‌ای از تکالیف را به جای آنکه یکباره و به تمامی درخواست کنند به تدریج در چند مرحله به میان آورده و نهایتاً صورت کامل تکلیف را مطرح ساخته است. و نمونه بارز آن را در آیات حرمت خمر و زبامی توان دید. مثل تحریم ربا که از منفورترین پدیده های بشری نزد خداوند است ولی طی مراحل ممنوع و حرام گردید که ابتدا با ملایمت و سپس صراحتاً ممنوع گردید به عنوان مثال، پسر باید هفت سال اول بازی کند و هفت سال سواد بیاموزد، هفت سال به آموزش حلال و حرام پردازد (باقری، ۱۳۸۶، ص ۲۲۳). پس به مقتضای این روش، مربی باید پاره ای از تکالیف را که مایه ی زحمت است، در چند مرحله تنظیم کند و صورت نهایی تکلیف را در مرحله ی آخر آشکار کند.

**روش تجدید نظر تکالیف:** طبق این روش، اگر ضعف متربی در به دوش گرفتن تکالیف عملاً آشکار شد، باید مربی فروتر آید و آسان تر بگیرد و باید در تکالیف تجدید نظر کند (باقری، ۱۳۸۶، ص ۲۲۵). مراد آن است که در هر حرکت تربیتی راه های آسان و میسر به روی متربی گشوده شود تا میل و رغبت به رفتن فراهم شود و با متربی از سر ملایمت و مدارا رفتار شود تا بتواند راه را بر خود همواره سازد و طی طریق کند و به مقصود دست یابد (فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۱۰۸۳). بر اساس این روش، اگر مبلغ احساس کرد که مخاطبین توان انجام تکالیف را ندارند باید آسان تر بگیرد و به گونه ای تازه و ابتکاری، تکلیف را بر دوش مخاطبان بگذارد. با دقت در قرآن، ملاحظه می شود که این روش مورد استفاده قرار گرفته است که نمونه ی بارز آن اگر بیست تن در میان شما پایدا و صبور باشند، بردویست تن کافران غالب می آیند و اگر صد تن باشند، بر هزار تن چیره می شوند، زیرا آنان جمعی هستند که از فهم و شعور درست محروم اند. اکنون خداوند بر شما سبک گرفت و دانست که در میان شما ضعف و سستی هست؛ پس اگر صد تن از شما پایمردی کنند بر دویست تن غالب می شوند و اگر هزار تن از شما چنین باشند بردو هزار تن چیره می آیند و این همه به اذن خدا است و خدا با صابران است (انفال/۶۶-۶۵). امام صادق (ع) شخصی را برای ماء موریتی به منطقه ای فرستاد. او در



گزارش خود به امام از مردم منطقه به شدت انتقاد کرد. امام فرمود: ای سراج، ایمان ده درجه دارد. بعضی یک درجه ایمان دارند و بعضی دو درجه. بعضی هم هفت تا ده درجه. نباید کسانی که ایمان کاملتری دارند از دیگران بیش از ظرفیت آنها توقع داشته باشند (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۵).

## نتیجه گیری

امام صادق علیه السلام در عصر و زمانی واقع شد که علاوه بر حوادث سیاسی، یک سلسله حوادث اجتماعی و پیچیدگیها و ابهامهای فکری و روحی پیدا شده بود، لازمه این بود که امام صادق جهاد خود را در این جبهه آغاز کند. مقتضیات زمان امام صادق علیه السلام که در نیمه اول قرن دوم می زیست با زمان سید الشهداء علیه السلام که در حدود نیمه قرن اول بود خیلی فرق داشت. در حدود نیمه قرن اول در داخل کشور اسلامی برای مردانی که می خواستند به اسلام خدمت کنند یک جبهه بیشتر وجود نداشت و آن جبهه مبارزه با دستگاه فاسد خلافت بود، سایر جبهه ها هنوز به وجود نیامده بود و یا اگر به وجود آمده بود اهمیت پیدا نکرده بود، حوادث عالم اسلام همه مربوط به دستگاه خلافت بود و مردم از لحاظ روحی و فکری هنوز به بساطت و سادگی صدر اول زندگی می کردند. اما بعدها و در زمانهای بعد تدریجا به علل مختلف جبهه های دیگر به وجود آمد، جبهه های علمی و فکری. یک نهضت علمی و فکری و فرهنگی عظیم در میان مسلمین آغاز شد. نحله ها و مذاهبها در اصول دین و فروع دین پیدا شدند. به قول یکی از مورخین، مسلمانان در این وقت از میدان جنگ و لشکر کشی متوجه فتح دروازه های علم و فرهنگ شدند. علوم اسلامی در حال تدوین بود. در این زمان یعنی در زمان امام صادق علیه السلام از یک طرف زد و خورد امویها و عباسیها فترتی به وجود آورد و مانع بیان حقایق را تا حدی از بین برد، و از طرف دیگر در میان مسلمانان یک شور و هیجان برای فهمیدن و تحقیق پیدا شد، لازم بود شخصی مثل امام صادق علیه السلام این جبهه را رهبری کند و بساطت تعلیم و ارشاد خود را بگستراند و به حل معضلات علمی در معارف و احکام و اخلاق پردازد. در زمانهای قبل همچو زمینه ها نبود، همچو استعداد و قابلیت و شور و هیجانی در مردم نبود. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۲۵۸)

## منابع

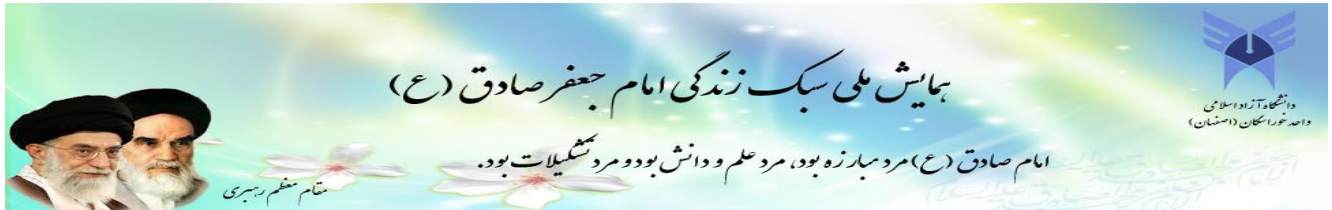
قرآن کریم

اصفهانی، راغب (۱۳۹۲ ق). **المفردات فی الفاظ قرآن**، (تحقیق و ضبط محمد سید گیلانی)، بیروت: دارالمعرفه.

اصول کافی، ج ۳، ص ۱۹۴. اصول کافی ج ۵/ص ۷۰ حدیث ۲. اصول کافی جلد ۱ صفحه ۲۳۲. اصول کافی جلد ۱ صفحه ۷۴. اصول کافی جلد ۳ صفحه ۳۵۴. اصول کافی جلد ۲ صفحه ۲۷۴. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۹۴. اصول کافی، ج ۱ ص ۱۸. اصول کافی، جلد ۵

امالی مفید صفحه ۱۵۱.





امینی، ابراهیم (۱۳۸۴). **اسلام و تعلیم و تربیت**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

آملی، عبدالله جوادی (۱۳۷۳). **تفسیر موضوعی قرآن**، ج ۲ و ج ۱۲، قم: مرکز فرهنگی رجاء.

باقری، خسرو (۱۳۸۶). **نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی**، تهران: انتشارات مدرسه.

باقری، خسرو (۱۳۸۴)، **ماهیت و قلمرو تعلیم و تربیت اسلامی**، در: **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**، تهران: انتشارات مدرسه.

بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۹۳. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۳۷. بحار الانوار جلد ۱ صفحه ۲۰۶. بحار الانوار جلد ۸۲ ص ۱۹۸. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۰. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۹۳. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۳۰. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۰۷. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۵.

تحف العقول صفحه ۳۹۰. اصول کافی جلد ۴ صفحه ۴۸۱. تفسیر جامع جلد ۳ صفحه ۶۵.

حر عاملی، شیخ محمد بن حسن (۱۱۰۴ ق). **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه**، ج ۴. (به تصحیح و تحقیق و تزییل عبدالرحیم ربانی شیرازی)، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.

حسینی زاده، سید علی (۱۳۶۸). **سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. خصال الصدوق صفحه ۱۴۵.

خمینی، روح الله (۱۳۶۸). **تحریر الوسیله**، ج ۲. نجف: مطبعة الآداب.

دلشاد تهرانی؛ مصطفی (۱۳۸۲). **سیری در تربیت اسلامی**، تهران: انتشارات دریا.

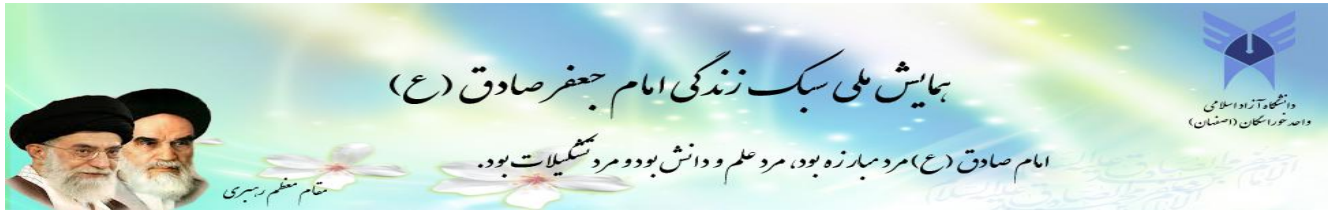
روضه کافی، ج ۸، ص ۱۵۰

سادات، محمد علی (۱۳۸۴). **اخلاق اسلامی**، تهران: انتشارات سمت.

شعبانی، حسن (۱۳۸۶). **مهارتهای آموزشی و پرورشی**، تهران: انتشارات سمت.

شیخ صدوق، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۷۴. شیخ صدوق، ۱۳۷۲، ج ۷۱، ص ۳۹۶. شیخ صدوق، ۱۳۷۲، ص ۱۹۱. شیخ صدوق، ج ۴، ص ۴۰۰. شیخ صدوق، ج ۴، ص ۴۲۲. شیخ صدوق، ج ۷۱، ص ۳۹۵.

صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۵. صدوق، ۱۴۰۳، ص ۱۸۰.



عمید، حسن (۱۳۴۳). **فرهنگ عمید**، ج ۱، تهران: انتشارات دامیر کبیر.

عین الحیوه صفحه ۱۸۳-۲۰۴.

فانضی، علی (۱۳۷۷). **مبانی تربیت روشها و اخلاق اسلامی**، تهران: انتشارات مسعی.

فروع کافی جلد ۴ صفحه ۴۷.

کافی، جلد ۳ صفحه ۱۵۲. کافی، ج ۲، ص ۲۶۹. کافی، ج ۵، ص ۵۹

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). **اصول کافی**، (ترجمه صادق حسن زاده)، تهران: انتشارات اطلاعات.

مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۶). **بحار الانوار**، ج ۳، ج ۴، ج ۹، تهران: انتشارات مکتبه الاسلامیه.

مرادی، مریم (۱۳۸۳). **بررسی جایگاه و اهمیت و تاثیرات شادمانی در تعلیم و تربیت**، پایان نامه کارشناسی ارشد

مصباح الشریعه، ۱۳۷۷، ص ۷۰. مصباح الشریعه، ۱۴۰۰. ق، ص ۱۵۵

مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). **تعلیم و تربیت در اسلام**، قم: انتشارات صدرا.

نراقی، مهدی (۱۳۸۶). **علم اخلاق اسلامی**. تهران: انتشارات حکمت.

نوری، محمد اسماعیل و دیگران (۱۳۷۰). **معلم و شاگرد**، قم: انتشارات شکوری.

نیلی پور، مهدی (۱۳۸۶). **بهشت اخلاق**، ج ۱، ج ۲، قم: انتشارات مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولیعصر (عج).